



The effect of European contract law on the reform of French law of obligations in the pre-contractual stage

Hedeyeh Habibian¹, Alireza Yazdanian^{2*}, Mehrab Darabpour³, Seyed MohammadReza Ayati⁴

1. PhD Student in Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor Department of Private Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

3. Professor Department of International Trade Law, Faculty of Law and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 537-559

Article history:

Received: 20 Sep 2021

Edition: 20 Oct 2021

Accepted: 4 Dec 2022

Published online: 15 Jan 2022

Keywords:

European Contract Law, Pre-Contractual Negotiations, Good Faith, Obligation to Information, Obligation to Confidentiality

Corresponding Author:

Alireza Yazdanian

Address:

Department of Private Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-8975-863X

Tel:

09133159681

Email:

dr.alireza_yazdanian@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The Principles of European Contract Law (PECL) and the Principles of International Commercial Contract (PICC) consist of a comprehensive set of contract-related rules that apply to contract litigation, regardless of the legal system in each country.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: In fact, the principles and rules contained in the above-mentioned documents have had a significant impact on the reform of domestic law in the field of contracts. Most recently, the French Civil Code (1804), on October 1, 2016, coincided with the entry into force of Resolution No. 131-2016, for the first time, inspired by these principles, underwent a revolution in the 210-year structure of the provisions relating to French obligations. Most of these developments were due to the jurisprudence of the courts and the efforts of legal doctrines to bring domestic law into line with the PECL and PICC principles.

Conclusion: These amendments in the pre-contract stage include the formulation of provisions related to the principle of freedom of contract, the principle of good faith and the resulting duties, including the obligation to provide information, confidentiality and the inability to deviate from the requirement during the validity period.

Cite this article as:

Habibian H, Yazdanian A, Darabpour M, Ayati SMR. The effect of European contract law on the reform of French law of obligations in the pre-contractual stage. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

تأثیر حقوق قراردادهای اروپا بر اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه در مرحله پیش قراردادی

هدیه حبیبیان^۱، علیرضا یزدانیان^{۲*}، مهرباب داراب‌پور^۳، سید محمدرضا آیتی^۴

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استاد گروه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اصول حقوق قراردادهای اروپایی (PECL) و اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی (PICC) متشکل از مقررات مرتبط با عقود و تعهدات هستند که درخصوص دعوی قراردادهای به عنوان قانون حاکم بر روابط میان متعاملین، اعمال می‌شوند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در واقع اصول و قواعد مندرج در اسناد صدرالذکر، تأثیر بسزایی در اصلاح قوانین داخلی در حوزه قراردادهای داشته است. چنانچه اخیراً، قانون مدنی فرانسه (۱۸۰۴)، در ۱ اکتبر ۲۰۱۶ همزمان با لازم‌الاجرا شدن مصوبه شماره ۱۳۱-۲۰۱۶، برای نخستین بار با الهام از اصول مذکور، دستخوش انقلابی در ساختار ۲۱۰ ساله مقررات مربوط به تعهدات فرانسه شد. بیشتر این تحولات، مرهون رویه قضایی محاکم و تلاش دکترین‌های حقوقدانان در راستای تطبیق قانون داخلی در قلمرو حقوق قراردادهای با اصول PECL و PICC بود.

نتیجه: این اصلاحات در مرحله پیش از انعقاد قرارداد عبارت از تدوین مقررات مرتبط با اصل آزادی قراردادهای، اصل حسن‌نیت و تکالیف ناشی از آن شامل تعهد به اطلاع‌رسانی، محرمانگی وعدم امکان عدول از ایجاب در طول مدت زمان اعتبار ایجاب است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳۷-۵۵۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

واژگان کلیدی:

حقوق قراردادهای اروپا، مذاکرات پیش‌قراردادی، حسن‌نیت، تعهد به اطلاع‌رسانی، تعهد به محرمانگی.

نویسنده مسوول:

علیرضا یزدانیان

آدرس پستی:

ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

۰۹۱۳۳۱۵۹۶۸۱

کد ارکید:

0000-0002-8975-863X

پست الکترونیک:

dr.alireza_yazdanian@yahoo.com

۱. مقدمه

«افتخار واقعی من پیروزی در چهل جنگ نیست؛ واترلو خاطره همه این پیروزی‌ها را از بین خواهد برد. من از این جهت مفتخرم که قانون مدنی فرانسه را به دست خود به وجود آوردم که از حوادث دهر مصون و همیشه ابدی خواهد ماند». این بیانات از ناپلئون بناپارت بیانگر اهمیت قانون مدنی فرانسه به عنوان یک دستاورد بزرگ معنوی در فرهنگ حقوقی این کشور است. به همین خاطر تلاش جهت اصلاح قانون مذکور برای مدت مدیدی ناموفق بود زیرا وکلا، قضات و دانشگاهیان فرانسوی، وابستگی فرهنگی و احساسی عمیقی به قانون مدنی خود داشتند و این قانون که از ناحیه اکثر حقوق دانان به عنوان قانون اساسی جامعه مدنی فرانسه به رسمیت شناخته می‌شد با گذشت بیش از دو قرن از تصویب آن در سال ۱۸۰۴، همچنان اصلی‌ترین ابزار حقوق خصوصی در فرانسه و شاید بتوان گفت در جهان محسوب می‌شود. با وجود این، برخی از مباحث آن مدرنیزه شده تا بتواند خود را با نیازهای روز جامعه، معیارهای بین‌المللی و حقوق قراردادهای اروپا منطبق نماید (روان، ۲۰۱۷، ۸۰۵).

این اصلاحات نخستین بازنگری قانون تعهدات فرانسه در طول ۲۰۰ سال اخیر بوده است و پیش از این چهره واقعی حقوق قراردادهای کم‌رنگ و بیشتر تحت تأثیر تفسیری بود که دادگاه‌ها از مواد قانون مدنی فرانسه ارائه می‌دادند (هلرینگر، ۲۰۱۷، ۳۵۶).

حقوق فرانسه سرآمد نظام حقوقی رومی ژرمنی و منبع الهام‌بخش بسیاری از رژیم‌های حقوقی خارجی جهت تدوین قوانین داخلی آن‌ها بوده است؛ چنان‌که قانون ملی کشورهای مصر، سوریه، لبنان، تونس، مراکش و الجزایر تحت تأثیر قانون مدنی فرانسه قرار داشته‌اند (بهرامی احمدی و امینی نسب، ۱۳۹۴، ۱۰). بدیهی است نوآوری‌های حقوق قراردادهای فرانسه، فرآیند قانون‌گذاری و اصلاحات قوانین این کشورها را نیز تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

مصادق بارز این تأثیرپذیری، کشور پرو است که اخیراً اعلام نموده نسبت به اصلاح قانون مدنی خود اقدام خواهد کرد. برنامه‌ریزی زمانی این رویداد که در فاصله زمانی کوتاهی پس از اصلاحات قانون مدنی فرانسه است، تصادفی نمی‌باشد (روان، ۲۰۱۷، ۸۰۶). نمونه دیگر کشور بلژیک است که اصلاحات قانون مدنی فرانسه انگیزه‌ای برای تجدید نظر در کد آن ایجاد نموده است، به نحوی که وزیر دادگستری بلژیک با تشکیل شش کمیته، زمینه ارائه پیشنهاداتی درخصوص بازنگری و اصلاح در قانون مدنی بلژیک به منظور دستیابی به یک کد مدرن را فراهم نمود (پیرایر و ساموی، ۲۰۱۶، ۶۰۱).

ایده اصلاح حقوق تعهدات فرانسه از حدود سال ۲۰۰۰ میلادی مطرح گردید و به دنبال آن، دو طرح مبتنی بر نظریه‌های حقوقی ارائه شد که یکی از این طرح‌ها توسط کمیته‌ای متشکل از ۳۷ عضو به رهبری پروفیسور پییر کاتالا بی‌توجه به اصول حاکم بر حقوق قراردادهای اروپا، در سال ۲۰۰۵ در

نشریه آوانتژ منتشر گردید و طرح دیگر که شدیداً تحت تأثیر حقوق اروپا به ویژه اصول حقوقی قراردادهای اروپایی بود، تحت نظارت پروفیسور فرانسوا تره و با مشارکت آکادمی علوم اخلاقی و سیاسی فرانسه تدوین گردید و مبنای اصلاحات ۲۰۱۶ قرار گرفت (ماژنود، ۲۰۱۰، ۲۴۳). این مصوبه طرح کتاب سوم قانون مدنی فرانسه را متحول نموده و به تحلیل منابع تعهدات می‌پردازد؛ که متشکل از سه عنوان فرعی قراردادهای، مسئولیت مدنی و شبه قراردادهای است؛ که از این عناوین صرفاً کتاب مسئولیت مدنی دستخوش تغییرات نگردید. همچنین این مصوبه در عنوان چهارم خود رژیم حقوقی تعهدات و در عنوان چهارم مکرر نیز ادله اثبات تعهدات را مطرح می‌نماید (مکی، ۲۰۱۷، ۲۲۵).

درخصوص مصوبه، تشریفات تصویب قانون عادی رعایت نشده است و پارلمان فرانسه (مجلس شورای ملی و سنا)، اختیار تصویب اصلاحات را به قوه مجریه واگذار نموده است. بدین ترتیب دولت با استفاده از اختیارات ویژه‌ای که طبق ماده ۳۸ قانون اساسی دارد، لایحه‌ای را در سال ۲۰۱۳ ارائه کرد که به دولت اجازه می‌داد، قانون تعهدات را برمبنای ماده مذکور، تغییر دهد. اصلاحات از طریق یک دستورالعمل، بدون بحث‌های پارلمانی به تصویب رسید و در ۱۱ فوریه ۲۰۱۶ در روزنامه رسمی منتشر شد (مکی، ۲۰۱۷، ۲۲۴). شایان ذکر است این اصلاحات پس از تغییرات جزئی در سال ۲۰۱۸ به تأیید قوه مقننه فرانسه رسید. نوآوری‌های یاد شده، مرتبط با برخی قواعد حقوق قراردادهای

بین‌المللی به ویژه اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپایی می‌باشد (روان، ۲۰۱۷، ۸۰۷).

در کنار این تحولات، "قانون مدرن‌سازی دادگستری در قرن ۲۱" مورخ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸ و نیز پیش‌نویس اولیه اصلاحات حقوق مسئولیت مدنی که در مارس ۲۰۱۷ منتشر گردید و از مواد ۱۲۳۲ تا ۱۲۹۹ قانون مدنی فرانسه را به مبحث مسئولیت مدنی اختصاص داده است، از دیگر نوآوری‌های صورت گرفته در ساختار حقوق فرانسه به شمار می‌آیند. سوال پژوهش این است که نوآوری‌های حقوق تعهدات فرانسه در مرحله پیش قراردادی تا چه میزان متأثر از اصول حقوق قراردادهای اروپایی و اصول یونیدقوا است؟

فرضیه‌ای که پژوهشگر آن را دنبال می‌کند این است: شارحین مصوبه شماره ۱۳۱-۲۰۱۶ در عین پایبندی به کد ناپلئون با اعمال تغییراتی در قانون قراردادهای فرانسه در صدد هستند مفاد قانون را با مقتضیات و نیازهای اقتصادی و اجتماعی روز در دنیای مدرن، سازگار نمایند ضمن اینکه این اصلاحات زمینه تحولات در قوانین ملی سایر کشورهای تابع نظام حقوقی نوشته را، فراهم می‌نماید. لذا این پژوهش در دو گفتار تنظیم شده است: در گفتار نخست انگیزه‌ها و دلایل اصلاحات قانون مدنی فرانسه به‌طور عام و در گفتار دوم ضمن ارائه تعریف از مرحله پیش‌قراردادی، اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه به‌طور خاص، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اصول و قواعد مندرج در اسناد صدرالذکر، تأثیر بسزایی در اصلاح قوانین داخلی در حوزه قراردادها داشته است. چنانچه اخیراً، قانون مدنی فرانسه (۱۸۰۴)، در ۱ اکتبر ۲۰۱۶ همزمان با لازم‌الاجرا شدن مصوبه شماره ۱۳۱-۲۰۱۶، برای نخستین بار با الهام از اصول مذکور، دستخوش انقلابی در ساختار ۲۱۰ ساله مقررات مربوط به تعهدات فرانسه شد. بیشتر این تحولات، مرهون رویه قضایی محاکم و تلاش دکترین‌های حقوق‌دانان در راستای تطبیق قانون داخلی در قلمرو حقوق قراردادها با اصول PECL و PICC بود.

۵. بحث

۵-۱. انگیزه‌ها و دلایل اصلاحات قانون مدنی

فرانسه به‌طور عام

تمامی مقررات و مواد مندرج در قانون مدنی فرانسه بالتفات به گذشت بیش از ۲ قرن از تاریخ تدوین آن‌ها، قابلیت اصلاح و انطباق با اسناد بین‌المللی حقوق خصوصی و نیازهای روز جامعه را داشتند خصوصاً قواعد حقوقی مستخرج از آرای صادره‌ی محاکم که آماده تبدیل به احکام قانونی مصرح بودند، علمای حقوق فرانسه را به سمت بازسازی و ساده‌سازی کد ناپلئون سوق داد. علاوه بر مراتب فوق، دلایل دیگری نیز زمینه اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه را فراهم نمود که در این مبحث به اختصار تشریح می‌گردد:

۵-۱-۱. منسوخ و ناقص بودن مقررات مربوط

به تعهدات در قانون مدنی فرانسه

«هر از گاهی باید درخصوص موضوعی که احتمال دارد به یک توده آشفته تبدیل شود؛ نظم و ترتیب ایجاد کرد». این جملات، اظهارات "ادوارد ماریتس میجرز" نویسنده پیش‌نویس اصلی قانون مدنی جدید هلند در سال ۱۹۹۲ است. میجر بر این باور بود که اصلاحات یک کد، نقش بسزایی در نظام‌بندی و تحکیم رویه قضایی دادگاه‌ها در نظام حقوقی یک کشور دارد و به قانون‌گذار اجازه می‌دهد تا نقش اصلی را که در یک سیستم حقوق مدنی دارد؛ به‌روزرسانی کند و قوانین مدرن را جایگزین قوانین منسوخ و ناقص نماید. بر همین مبنا اکثر کشورهای اروپایی کد اصلی قرن نوزدهم

خود را اصلاح کرده یا آن را با یک قانون جدید جایگزین کرده‌اند (پاکباز، ۱۴۰۰، ۴۱).

این تحولات در قوانین داخلی سایر کشورها، در حالی بود که علی‌رغم پیشرفت فناوری و تکنولوژی، بخش حقوق قراردادهای فرانسه از سال ۱۸۰۴ تقریباً بدون تغییر باقی مانده بود. در حالی که برخی این موضوع را دلیل بر ثبات و نقطه قوت آن می‌دانستند، اکثر حقوق‌دانان تصدیق کردند که برخورداری از اصول منسوخ و ناقص، از نقاط ضعف این کد محسوب می‌گردد. در چنین شرایطی دادگاه‌ها به تفسیر مجدد مواد قانونی پرداختند، تا حدی که اکثر قوانین به‌طور قابل ملاحظه‌ای گسترش، تمدید یا محدودیت یافتند، به‌طوری که متن کد، بازتاب دقیقی از آن نبود و فهم مفاد قانون، مستلزم مراجعه به رویه قضایی و تفسیر دادگاه‌ها بود (هترینگر، ۲۰۱۷، ۳۵۶).

مصادق بارز تفسیر گسترده از یک ماده قانونی، تفسیر دادگاه‌ها از ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی سابق است. علی‌رغم نص صریح قانون‌گذار که اعمال اصل حسن‌نیت را محدود به مرحله اجرای قرارداد می‌داند، محاکم دامنه شمول این اصل را به مراحل مذاکرات، تشکیل و خاتمه قرارداد تسری می‌دهند. نمونه دیگر، تفسیر محدود قضاات از ماده ۱۱۴۲ قانون مدنی سابق است. این ماده مقرر می‌دارد: «در هر تعهد به انجام فعل، یا ترک فعل، در صورتی که متعهد نقض تعهد کند، مسئول جبران خسارت است». لیکن بر مبنای تفسیر دادگاه‌ها، وجه التزام مقرر در قرارداد از خسارت قانونی موضوع این ماده استثناء گردید (روان، ۲۰۱۷، ۸۰۷).

در غالب موارد، از روش قیاس که روشی نامتعارف و بعضاً برخلاف قانون بود، جهت تفسیر مواد قانونی استفاده می‌شد. این فرآیند تا آنجا ادامه یافت که مواد قانون مدنی بدون تفسیر قضایی بی‌معنا و غیرقابل فهم شدند و حتی در برخی حوزه‌ها، دادگاه‌ها، نظام حقوقی نوینی خلق کردند. تفاسیر دادگاه‌ها از مقررات مدنی، تصویر شفاف از آنان را کم‌رنگ می‌نمود و این موضوع با هدف قانون که همانا ساده‌سازی مقررات و ارائه مجموعه قوانین قابل فهم برای عموم مردم است، در تعارض بود (روان، ۲۰۱۷، ۸۰۸).

۵-۱-۲. عدم نفوذ و تضعیف اعتبار قانون

مدنی فرانسه در عرصه بین‌المللی

در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی دامنه اعتبار بین‌المللی کد ناپلئون بسیار وسیع بود؛ به‌نحوی که اکثر کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکای مرکزی و جنوبی در فرآیند قانون‌نویسی خود از قانون مدنی فرانسه به‌عنوان سردمدار سیستم حقوق نوشته، الگوبرداری می‌کردند. لیکن از اوایل قرن ۲۱ میلادی تأثیر بین‌المللی قانون مدنی فرانسه به طرز چشمگیری کاهش یافت. از یک سو کشورهای همچون آلمان، هلند و ایالت کبک که مقررات داخلی خود را از کد ناپلئون اقتباس نموده بودند، در زمان ایجاد اصلاحات در قانون مدنی خود از مقررات کد، فاصله گرفتند (روان، ۲۰۱۷، ۸۰۹).

از سوی دیگر تحول در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، دولت‌ها را بر آن داشت که درخصوص موضوعاتی همچون حمایت از حقوق مصرف‌کننده،

تحقق مسئولیت محصولات، قراردادهای فرانشیز، روابط کارگر و کارفرما، تجارت الکترونیک و... که قانون مدنی در مورد آن‌ها ناکارآمد بود، به تدوین پروژه‌های هماهنگ‌سازی حقوق قراردادهای در سطح بین‌المللی و در سطح منطقه‌ای بپردازند، اعم از پروژه‌های الزام‌آور نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و غیر الزام‌آور نظیر اصول یونیدقوآ، اصول حقوق قراردادهای اروپا، قانون متحدالشکل مربوط به قانون تجارت عمومی توسط سازمان هماهنگ سازی حقوق تجارت در آفریقا و قانون مدنی عرب که توسط اتحادیه کشورهای عرب تهیه شده است (ماتار، ۲۰۱۷، ۱۶۹).

تأثیر اصول یونیدقوآ و اصول حقوق قراردادهای اروپایی بر تعدادی از قوانین ملی که پس از سال ۱۹۹۴ منتشر شدند، کاملاً مشهود است. چنان‌که قانون مدنی جدید روسیه به تبعیت از اصول مذکور، مفاهیم حسن‌نیت و سوءاستفاده از حق را معرفی نمود. قانون‌گذار آلمان برای نخستین بار در اصلاحات قانون مدنی (۲۰۰۲)، ماده جدیدی درخصوص مسئولیت پیش‌قراردادی اضافه کرد. همچنین قانون قرارداد چین (۱۹۹۹) تحت تأثیر حقوق قراردادهای اروپا به معرفی اصول حسن‌نیت، آزادی قراردادی، مسئولیت پیش از قرارداد و... پرداخته است (ماتار، ۲۰۱۷، ۱۹۰).

اصول صدرالذکر به‌عنوان مظهر حقوق خصوصی مدرن، در تسهیل تجارت فرامرزی، ایجاد پل ارتباطی میان دو نظام حقوقی (عرفی و نوشته) و معرفی یک مبنای واحد برای حکومت بر قراردادهای، نقش بسزایی ایفا نمودند (قناتی، ۱۳۸۸، ۴۶). این

در حالی بود که قوانین ملی فرانسه، در شکل‌گیری این اسناد اروپایی تأثیرگذار نبوده و راهکارهای اتخاذ شده و اصول مقرر در اسناد نامبرده، در درجه اول براساس قوانین آلمان، انگلیس یا براساس قانون مدنی مدرن هلند تدوین گردیده بود (اسمیتز و کالومه، ۲۰۱۶، ۱۰۴).

به نظر می‌رسد کاهش اعتبار قانون مدنی فرانسه و نقش کمرنگ آن در گردآوری اصول حقوق قراردادهای اروپایی و اصول یونیدقوآ این حقیقت را متجلی نمود که، مادامی که مفاد قانون مدنی فرانسه منطبق با نیازهای روز و واقعیات حقوقی اصلاح نگردد، نه تنها در تدوین اسناد بین‌المللی، بلکه در تکمیل و اصلاح قوانین ملی سایر کشورها نظیر ایران و کشورهای عربی که مقررات داخلی خود را از کد ناپلئون اقتباس کرده‌اند نیز نقشی ایفا نخواهد کرد و همین موضوع زمینه تدوین قانون مدنی جدید فرانسه را فراهم نمود.

۵-۱-۳. عدم جذابیت قانون مدنی فرانسه به

عنوان قانون حاکم بر تجارت بین‌المللی

یکی از موضوعات مهم در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل، انتخاب قانون حاکم بر قرارداد می‌باشد. جذابیت نظام حقوقی یک کشور، مؤثرترین عامل در انتخاب قانون ملی آن به‌عنوان قانون قابل اعمال در روابط بازرگانی بین‌المللی محسوب می‌شود (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹، ۱۷).

ظهور اصول یونیدقوآ و اصول حقوق قراردادهای اروپا به‌عنوان یک منبع فراملی، کشورهای اروپایی را بر آن داشت تا به منظور تسهیل انتخاب و

حاکمیت قوانین ملی خود بر معاملات بین‌المللی، محتوای حقوق قراردادی خود را با اصول مذکور هم‌سو و آنها را ساده‌تر سازند. در واقع جذابیت قانون و عدم سخت‌گیری‌های آن سبب ترجیح یک نظام بر نظام حقوقی دیگر می‌شود (روان، ۲۰۱۷، ۸۱۰).

به‌عنوان نمونه گاه به دلیل موضوع خاص یک قرارداد، نظام حقوقی فرانسه بر قراردادی حاکم می‌شود تا بتوان در صورت نقض تعهد، نسبت به الزام متعهد به ایفای عین تعهد به‌عنوان عینی‌ترین طریقه جبران خسارت اقدام نمود، به جای آنکه طرف ناقض صرفاً محکوم به پرداخت خسارت گردد. یا بالعکس، در مواردی که اجرای عین تعهد برای متعهدله اهمیت چندانی ندارد و صرفاً به دنبال جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی است، قانون داخلی کشورهای تحت پوشش سیستم حقوقی کامن‌لو، نظیر انگلستان و آمریکا ترجیح داده می‌شود (پانباکر، ۲۰۱۷، ۳۰).

قانون مدنی کلاسیک فرانسه در مقایسه با قوانین کشورهای اخیرالذکر از جنبه تجاری ضعیفی برخوردار بوده است، به‌نحوی که براساس گزارش منتشره تحت عنوان "فضای کسب و کار"، بانک جهانی در فواصل سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶، سیستم‌های حقوقی جهان را براساس جذابیت آن‌ها برای بازرگانی بین‌المللی رتبه‌بندی نمود که بر مبنای این گزارش، فرانسه در رتبه ۴۴،۷ قرار دارد. در این گزارش قوانین فرانسه به لحاظ اقتصادی ناکارآمد، پیچیده، غیرقابل فهم و فاقد جذابیت توصیف شده است و کشور فرانسه از حیث

شاخص آسانی کسب و کار، پس از کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای نظیر باتسوانا و جامائیکا، در رتبه ۴۴،۷ قرار داد. این گزارش که حاکی از عدم جذابیت این قانون در تجارت بین‌المللی بود، حقوق تعهدات فرانسه را به سمت مدرنیزه و به‌روزرسانی سوق داد (روان، ۲۰۱۷، ۸۰۹).

اخیراً یک تحقیق جهانی بر روی قراردادهای بیع بین‌المللی صورت گرفته است که دو عامل را به‌عنوان مهم‌ترین دلایل حقوقی برای انتخاب قانون حاکم بر روابط متعاملین پیش‌بینی نموده است: نخست، اطمینان حقوقی و دوم، انعطاف‌پذیری حقوق داخلی قراردادی. اطمینان حقوقی بدین معناست که نتیجه اجرای یک قاعده حقوقی به راحتی قابل پیش‌بینی است. انعطاف‌پذیری عبارت است از اینکه چهارچوب قانونی، متعاملین را قادر سازد که روابط حقوقی خود را براساس نیازهای عملی خود، شکل دهند. این دو عامل به صراحت در اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه مطرح شده‌اند. بدین ترتیب، انتخاب این دو عامل، تعدادی از عوامل دیگر نظیر هزینه‌های دادرسی، در دسترس بودن مراحل دادرسی کارآمد و... را که ممکن است در انتخاب قانون حاکم بر معاملات بین‌المللی مؤثر باشند، نادیده می‌گیرد (پانباکر، ۲۰۱۷، ۳۰). با عنایت به دلایل و انگیزه‌های فوق، اصلاح حقوق تعهدات فرانسه با هدف انطباق با حقوق قراردادهای اروپا، ساده‌سازی و ارتقای جذابیت قانون فرانسه به منظور حکومت بر قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، محقق گردید (کاوک، ۲۰۱۸، ۲۸۹).

۵-۲-۱. شناسایی اصل آزادی قراردادها

در اکثر نظام‌های حقوقی یکی از اصول بلامنازع در دوره پیش قراردادی اصل آزادی اراده‌ها می‌باشد که بر مبنای آن اشخاص در ورود به مذاکره، تداوم آن و در نهایت انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد آزاد هستند و نمی‌توان مذاکره‌کننده را به جهت شروع گفتگوهای مقدماتی و ادامه آن، به انعقاد قرارداد ملزم کرد. لذا آغاز مذاکرات برای طرفین، تعهدی به همراه نخواهد داشت و آن‌ها با اراده آزاد می‌توانند از ادامه گفتگو و انعقاد عقد انصراف دهند. ماده ۱-۱ اصول یونیدو و ماده ۱-۲ اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز به آزادی طرفین در انعقاد قرارداد اختصاص یافته است.

در حقوق قراردادهای سنتی فرانسه علاوه بر پذیرش اصل آزادی قراردادها در رویه قضایی، از دیدگاه قانون‌گذار، این اصل به‌عنوان یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده بوده است و در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی سابق مقرر می‌دارد: «عقودی که وفق مقررات منعقد شده باشند، برای طرفین در حکم قانون است. این عقود جز با تراضی طرفین یا جهاتی که قانون اجازه می‌دهد، قابل انفساخ نیست...». از فحوای کلام قانون‌گذار در ماده صدرالذکر اصل آزادی قراردادها قابل استنباط است. بدین معنا که چون اراده شخص محترم و واجد اثر حقوقی است، نفوذ قرارداد مستلزم تصریح قانون‌گذار نیست و اشخاص آزادند به نحوی که می‌خواهند نسبت به انعقاد قرارداد اقدام نمایند (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۱۴۵).

به نظر می‌رسد شارحین قانون مدنی جدید فرانسه با اعمال اصلاحات، موفق به ایجاد وحدت میان دو خصلت قانون حاکم بر معاملات، در قانون مدنی فرانسه شدند: نخست خصلت سادگی و قابل فهم بودن قانون برای عموم مردم و دوم جذابیت آن که نه تنها برای تمامی افراد جامعه بلکه برای هر شخص حقیقی و حقوقی که طرف قراردادهای تجاری بین‌المللی واقع می‌شوند، حایز اهمیت است.

۵-۲. اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه در

مرحله پیش قراردادی به‌طور خاص

دوره پیش قراردادی عبارت است از بازه زمانی که طرفین در آن به منظور انعقاد قرارداد نهایی، ضمن برقراری ارتباط با یکدیگر، به ارزیابی شرایط و امکانات خود و همچنین شرایط و امکانات طرف مقابل می‌پردازند (خزایی، ۱۳۹۵، ۱۰۶). این دوران می‌تواند با تحقق هدف اصلی یعنی انعقاد قرارداد و یا با انصراف هر یک از متعاملین خاتمه یابد. طرح اصلاحی قانون مدنی فرانسه بدون ارائه تعریف از دوره پیش قراردادی، به نوآوری‌های قانون مدنی فرانسه در مرحله مذاکرات مقدماتی در مواد ۱۱۰۲، ۱۱۱۲، ۱-۱۱۱۲، ۲-۱۱۱۲، ۱۱۱۵ و ۱۱۱۶ اشاره دارد که عبارتند از اصل آزادی قراردادها، رعایت اصل حسن‌نیت، تعهد به اطلاع‌رسانی، تعهد به محرمانگی و عدم امکان عدول از ایجاب در طول مدت زمان اعتبار ایجاب (مکی، ۲۰۱۷، ۲۳۴-۲۳۳).

علمای حقوق فرانسه از اصل آزادی قراردادهای و اصل حسن نیت به عنوان اصول بنیادین حقوق قراردادهای فرانسه یاد می کنند، لذا بخش اول از قانون جدید تعهدات فرانسه را به اصول صدرالذکر اختصاص داده اند (هلرینگر، ۲۰۱۷، ۳۵۶).

پیرو اصلاحات قانون مدنی فرانسه، ماده ۱۱۰۲ ضمن تقویت اصل یاد شده مقرر می دارد: «هرکس در انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد، انتخاب طرف قرارداد خود و تعیین مفاد و قالب قرارداد خود، در حدود تعیین شده توسط قانون، آزاد می باشد. آزادی قراردادی اجازه نقض قواعد مربوط به نظم عمومی را نمی دهد» (هلرینگر، ۲۰۱۷، ۳۶۰). لذا بر مبنای این ماده اصل آزادی قراردادی متضمن چهار جنبه است و مراد از آزادی در تعیین محتوای قرارداد عبارت است از اینکه هر یک از متعاملین می توانند آزادانه شرایط و ترتیبات حاکم بر قرارداد را که به منزله قانون حاکم بر روابط طرفین است، تعیین نمایند و تنها محدودیت در راستای تعیین آزادانه محتوای قرارداد، رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه موضوع ماده ۶ قانون مدنی فرانسه است.

لذا علی رغم اینکه در قانون مدنی ۱۸۰۴، اصل آزادی قراردادی به نحو صریح درج نگردیده بود؛ لیکن شارحین مصوبه ۲۰۱۶ در ماده فوق الذکر، اصل مزبور را در سه حیطه پیش بینی نموده اند: نخست آزادی در مرحله مذاکرات پیش قراردادی، آزادی در مرحله انعقاد، و نهایتاً آزادی در مرحله اجرای قرارداد (روان، ۲۰۱۷، ۸۱۳). با وجود حاکمیت مطلق و نامحدود اصل آزادی مذاکرات،

در فرضی که آغاز گفتگوها و استمرار آن در طرف مقابل این اعتقاد را به وجود آورد که در نهایت قراردادی منعقد خواهد شد و به اعتبار این اتکاء، مخارجی را متحمل شود؛ این سؤال مطرح می گردد که در فرآیند مذاکرات پیش قراردادی آیا بایستی حاکمیت مطلق اصل آزادی قراردادی را پذیرفت یا اینکه در راستای حمایت از حقوق و منافع دیگران بایستی با تمسک به قاعده حسن نیت، حاکمیت نامحدود اصل مذکور را تعدیل نمود و با محکومیت نقض کننده مذاکرات به جبران خسارات وارده، مانع از تضییع حقوق و منافع دیگری شد؟ (حاجی پور، ۱۳۹۵، ۸۲)

به منظور پاسخ به این پرسش باید میان دو سیستم حقوقی کامن لا و رومی ژرمنی قائل به تفکیک شد: سیستم کامن لا بر مبنای پذیرش مطلق اصل آزادی مذاکرات پایه گذاری شده که مطابق آن طرفین مخیر هستند بنا به هر دلیلی، نظیر تغییر شرایط انعقاد قرارداد، تغییر عقیده و یا حتی بدون عذر موجه، به مذاکرات خاتمه دهند. در انگلستان مخالفت با اعمال قاعده حسن نیت بدان حد است که خاتمه دادن به گفتگوها حتی در فرضی که برای طرف مقابل، باور رسیدن به قرارداد ایجاد شده باشد، سبب تحقق مسئولیت مدنی ناقض مذاکرات نمی گردد. در این کشور به دلیل وجود ابهامات در خصوص مفهوم حسن نیت، بر عدم شناسایی توافق به مذاکره با حسن نیت تأکید شده است (حاجی پور، ۱۳۹۵، ۸۹).

آمریکا تحت تأثیر دکترین سیستم حقوق نوشته، قاعده حسن نیت را در ماده ۱-۲۰۳ قانون

متحدالشکل بازرگانی و "شرح جدید حقوق"، پیش‌بینی نموده است، لیکن در این مقررره نیز قلمرو اعمال حسن‌نیت محدود به مرحله اجرای عقد است و به مرحله پیش از انعقاد قرارداد تسری نمی‌یابد (لئونهارد، ۲۰۱۱، ۳۱۳).

علی‌رغم سیاست‌های کشورهای تابع سیستم حقوقی کامن‌لا در مواجهه با اصل حسن‌نیت، در اکثر کشورهای گروه حقوق نوشته، اصل یاد شده به‌عنوان یکی از اصول کلی حقوق تعهدات و ابزاری جهت تعدیل اصل آزادی مذاکرات، به رسمیت شناخته می‌شود. بر همین مبنا «سالی» حقوق‌دان فرانسوی بر این باور است که طرفی که وارد مذاکرات می‌گردد نمی‌تواند به‌طور ناگهانی و بدون جبران خسارات اتکایی، از مذاکرات خارج شود، بلکه مسئول انتظاری است که درخصوص انعقاد قرارداد در طرف مقابل ایجاد می‌کند (امینی و ابراهیمی، ۱۳۹۰، ۲۴).

برمبنای آرای صادره از محاکم فرانسه چنانچه در مرحله پیش‌قراردادی، یکی از طرفین هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای در راستای انعقاد عقد اصلی متحمل شود و طرف مقابل بدون عذر موجه به مذاکرات خاتمه دهد، ناقض مذاکرات، مسئول جبران خسارات وارده، شناخته می‌شود. چنان‌که در رأی مورخ ۱۰ ژوین ۱۹۹۲ به این موضوع اشاره شد. «اگر چه که اصل آزادی قراردادی از اصول مسلم در دوره پیش از انعقاد عقد است و متضمن آزادی طرفین در خاتمه دادن به گفتگوهای مقدماتی است، لیکن چنانچه مذاکرات طولانی شود و یکی از طرفین را به این باور معقول برساند که

دیگری مصمم در انعقاد قرارداد است و هزینه‌هایی متحمل گردد، پایان بخشیدن به چنین گفتگوهای نادرست بوده و در صورت ایراد خسارت به طرف مقابل، سبب تحقق مسئولیت مدنی خواهد شد» (گیلیکر، ۲۰۰۳، ۱۲۴).

ماده ۳۰۱-۲ اصول حقوق قراردادهای اروپایی نیز ضمن تأکید بر تکلیف به مذاکره با حسن‌نیت، مقرر می‌دارد، هر یک از طرفین در گفتگوهای مقدماتی آزاد است و مسئول رسیدن به توافق نمی‌باشد. لیکن چنانچه یکی از طرفین بدون داشتن قصد جدی در حصول توافق، وارد مذاکره با دیگری شود و یا برخلاف حسن‌نیت، مذاکرات را قطع نماید مسئول جبران خساراتی خواهد بود که در نتیجه عمل او به دیگری وارد شده است.

۵-۲-۲. جایگاه اصل حسن‌نیت در مرحله

پیش‌قراردادی

از دیگر اصلاحات درخور تأمل که حقوق قراردادهای اروپا در پیدایش آن نقش حائز اهمیتی داشته، جایگاه جدید اصل حسن‌نیت و توسعه قلمرو اعمال آن در مصوبه ۲۰۱۶ است. ماده ۷-۱ اصول یونیدوقوآ مقرر می‌دارد: "در تجارت بین‌المللی هر طرف قرارداد باید مطابق با حسن‌نیت و معامله منصفانه اقدام نماید. دو طرف نمی‌توانند این تکلیف را مستثنی یا محدود کنند". برمبنای این مقررره رعایت اصل حسن‌نیت مختص به مرحله انعقاد و اجرای قرارداد نیست و مذاکرات مقدماتی نیز نباید معارض با اصل مزبور باشد. مشابه این حکم در مواد ۲، ۳۰۱ و ۲۰۱، ۱ اصول حقوق

قراردادهای اروپایی ملاحظه می‌گردد که بر ضرورت رعایت اصل حسن‌نیت و تعامل منصفانه در عقود تأکید دارند (داراب‌پور و انیسی، ۱۳۹۷، ۹۸).

مفهوم حسن‌نیت در قانون مدنی فرانسه، از جمله مواد ۱۱۴۱، ۱۲۶۸، ۲۲۶۵ و ۲۲۶۸ بصورت پراکنده استفاده شده است لیکن تا پیش از تدوین مصوبه جدید، ضرورت رعایت حسن‌نیت در مرحله پیش از انعقاد و نیز در زمان انعقاد قرارداد به‌عنوان یک قاعده کلی در هیچ یک از متون کلاسیک قانونی فرانسه پیش‌بینی نشده بود (قاسمی، ۱۳۸۶، ۱۰۸) در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی سابق نیز قانون‌گذار اصل مذکور را تصریح نموده، لیکن رعایت آن را صرفاً منحصر به مرحله اجرای قرارداد کرده بود در حالی که با عنایت به اصلاحات صورت گرفته، اصل حسن‌نیت به‌صورت رسمی بر تمام مراحل قرارداد حاکم است. ماده ۱۱۰۴ مقرر می‌دارد: «مذاکره، تشکیل و اجرای قراردادها باید با رعایت حسن‌نیت باشد. این قاعده از جمله قواعد مربوط به نظم عمومی است» (اسمیتز و کالومه، ۲۰۱۶، ۱۰۴).

همچنین بند نخست ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی جدید مقرر می‌نماید: «طرفین در شروع، ادامه فرآیند و خاتمه مذاکرات پیش از قرارداد آزاد هستند. این مراحل الزاماً می‌بایست از مقتضیات حسن‌نیت تبعیت کند». بر این مبنا، قانون‌گذار ضمن تأکید بر آزادی مذاکره‌کنندگان در ورود و خروج از گفتگوهای مقدماتی، تکلیف رعایت اصل حسن‌نیت در طول مذاکرات را بر عهده آنان می‌نهد و آنان را متعهد می‌نماید که به منظور انعقاد قرارداد، از طرح

پیشنهادهای نامعقول که منجر به شکست مذاکرات می‌گردد، اجتناب ورزند (نوری یوشانلوپی و شاهین، ۱۳۹۷، ۲۰۵).

در کنار نقاط قوت اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه، بایستی به عدم ارائه تعریف از قاعده حسن‌نیت به عنوان یکی از نقاط ضعف و موضوعات مورد مذمت شارحین قانون مدنی، اشاره کرد (روان، ۲۰۱۷، ۸۱۴). زیرا حسن‌نیت مقوله‌ای ذهنی، کیفی و مبهم است که ارائه تعریف جامع و مانع از آن، امری دشوار به نظر می‌آید. از این رو در برخی سیستم‌های حقوقی به تعداد حقوق‌دانان علاقه‌مند به این مفهوم، تعاریف متنوعی از آن ارائه شده است (تتلی، ۲۰۰۴، ۵۶۲).

به نظر می‌رسد برگزیده‌ترین تعریف از «حسن‌نیت» که با مفاد قانون سابق، اصلاحات فعلی و رویه قضایی فرانسه سازگاری دارد؛ بدین شرح است: «حسن‌نیت به‌عنوان یک حالت درونی و ذهنی عبارت است از داشتن صداقت، درستکاری، قصد و هدف نیکو و اعتقاد درونی فرد به صحت عمل خود از مرحله قبل از انعقاد قرارداد تا اجرای کامل قرارداد» (زمانی و رفیعی، ۱۳۹۵، ۱۴۰).

قوانین مدنی کشورهای عربی نیز فاقد مقرره خاصی درخصوص مسئولیت پیش از قرارداد یا مسئولیت در طول مذاکرات هستند و در حالی که اصل حسن‌نیت مبنای چنین مسئولیتی است، این قوانین مفهوم حسن‌نیت را به مرحله اجرای قرارداد محدود می‌نمایند. لذا به اصل سوءاستفاده از حق به‌عنوان مبنای دیگری برای توجیه مسئولیت پیش‌قراردادی، متمسک می‌گردند. این نواقص در

کنار پروژه‌های موفق هماهنگ‌سازی حقوق قراردادهای اعم از PICC و PECL، کشورهای بحرین، یمن، قطر، عمان، تونس و مراکش را به سمت اصلاح قوانین مدنی خود رهنمون ساخته است (ماتار، ۲۰۱۷، ۱۹۶).

در ماده ۱۵-۱-۲ اصول یونیدقوآ تصریح شده که صرف عدم حصول نتیجه در گفتگوهای مقدماتی منجر به تحقق مسئولیت پیش‌قراردادی نمی‌گردد، لیکن فروض مرتبط با نقض حسن‌نیت را پیش‌بینی نموده است: ۱- چنانچه شروع مذاکرات با حسن‌نیت باشد لیکن یک طرف با سوءنیت مذاکره را خاتمه دهد. ۲- یک طرف بدون داشتن قصد واقعی جهت انعقاد عقد، وارد مذاکرات شود و سپس به مذاکرات پایان دهد. ۳- اگر یک طرف با قصد عدم حصول توافق، مذاکرات را آغاز نماید، مسئولیت به جبران خسارات طرف مقابل خواهد داشت.

در بند دوم ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی جدید، شارحین با تأثیرپذیری از ماده فوق، ضمن به رسمیت شناختن مسئولیت پیش‌قراردادی، مقرر می‌نمایند در صورت وقوع هرگونه تقصیر در مذاکرات، از دست دادن منافع مورد انتظار از قراردادی که منعقد نشده (عدم النفع) و نیز از دست دادن فرصت تحصیل این منافع، از شمول خسارات قابل مطالبه خارج است.

۵-۲-۳. تعهد به اطلاع‌رسانی

در اکثر کشورهای تابع حقوق نوشته وظیفه ارائه اطلاعات در دوره پیش‌قراردادی را مبتنی بر اصل حسن‌نیت، حفظ امنیت، ثبات و تعادل قراردادی،

می‌دانند. این تعهد در دوره پیش‌قراردادی در نظام‌های حقوقی گوناگون با اهداف متفاوتی تعقیب می‌گردد. «روت سفتون گرین» بر این باور است که مهمترین این اهداف عبارتند از: حمایت از رضای سالم، حفظ امنیت و ثبات معاملات، رعایت وظیفه اخلاقی صداقت، داشتن استانداردهای رفتاری مورد انتظار طرفین و کاهش مخاطرات (ویلهمسون، ۲۰۰۶) سابقاً عقیده بر این بود که در موارد سکوت قانون‌گذار و یا فقدان مقررات خاص، تعهدی درخصوص ارائه اطلاعات به طرف دیگر قرارداد، وجود ندارد و هر یک از متعاقدين می‌بایست درصدد تحصیل اطلاعات مورد نیاز خود باشد، تا در عرصه تجارت متضرر نگردد (عابدیان و خروشی، ۱۳۸۸، ۲۲۲).

نظریه «تعهد به آگاهانیدن در قراردادها» نخستین بار توسط «میشل ژوگلار» مطرح گردید و متعاقباً به صورت یک قاعده کلی در حقوق فرانسه، بلژیک و لوکزامبورگ به رسمیت شناخته شد (عبدی‌پور و قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، ۸۵) لذا تعهد به اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی، ابتداءً از طریق دکترین سپس از ناحیه قضات و قانون‌گذار، با هدف حمایت از طرف غیرحرفه‌ای و جاهل نسبت به موضوع قرارداد، به نظام حقوقی فرانسه راه یافت و در قراردادهای خاصی نظیر قراردادهای مصرف‌کننده یا بیمه، تعهد مذکور بر طرف قوی‌تر تحمیل گردید (شهیدی و شمس‌الهی، ۱۳۹۹، ۲۴۹). البته سابقاً در رویه‌ی قضایی، نقض تعهد به اطلاع‌رسانی، تحت عنوان عدم افشای متقلبانه و از مصادیق تدلیس تلقی می‌شد و تدلیس، در نتیجه سکوت و یا خودداری

از رفع فهم نادرست طرف مقابل از موضوع، محقق می‌گردید (دیسدت، ۲۰۱۱، ۳۶۲).

این در حالی است که کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا خصوصاً انگلیس، بر مبنای دکترین «خریدار مواظب باش»، قائل به عدم وجود تعهد به افشای اطلاعات هستند و خریدار بایستی شخصاً اقدامات احتیاطی لازم جهت کسب اطلاعات و مصونیت از مخاطرات آتی را به عمل آورد. لذا در صورت استنکاف هر یک از طرفین از ارائه اطلاعات در مرحله مذاکرات پیش‌قراردادی، مسئولیتی متوجه وی نخواهد بود (یی، ۲۰۰۲، ۱۳۳).

در انگلیس به منظور تبعیت از قوانین اتحادیه اروپا، قانون قراردادهای مصرف‌کننده در سال ۲۰۱۳ به تصویب رسید. این قانون ناظر بر اطلاعاتی است که باید با مصرف‌کننده به اشتراک گذاشته شود. اما نوع اطلاعاتی که میان طرفین تبادل می‌گردد؛ بر مبنای نوع روابط میان مصرف‌کننده و تاجر، (مواد ۴ و ۵ قانون مذکور)، متفاوت است. این مقرر بیان می‌دارد؛ بر مبنای اینکه قرارداد با حضور فیزیکی هم‌زمان تاجر و مصرف‌کننده در خارج از محل تجاری تاجر، منعقد گردد و یا اینکه تشکیل قرارداد با حضور شخصی مصرف‌کننده در محل تجاری تاجر و یا از راه دور و از طریق وسایل الکترونیکی صورت گیرد، نوع اطلاعات ارائه شده از ناحیه تاجر در مرحله پیش‌قراردادی، متمایز خواهد بود. به عنوان مثال به موجب ماده ۹ دستورالعمل تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا، در صورتی که قرارداد از طریق یک وب سایت یا وسایل الکترونیکی منعقد شود، تاجر باید اطلاعات لازم درخصوص مراحل

فنی برای انعقاد قرارداد را ارائه نماید. این مقرر در ماده ۱۴ قانون قراردادهای مصرف‌کننده نیز انعکاس یافته است (یلدریم، ۲۰۱۷، ۱۸۳).

بند ۲ ماده ۱۰۷-۴ اصول حقوق قراردادهای اروپایی، افشای اطلاعات لازم را در زمره تکالیف طرف آگاه قرارداد، می‌داند و نقض این تعهد را مشمول جبران خسارت موضوع ماده ۱۱۷-۴ معرفی می‌کند.

پیش از اصلاحات ۲۰۱۶، تعیین حدود تعهد به اطلاع‌رسانی، مستلزم ایجاد تفکیک میان اطلاعاتی بود که باید به طرف مقابل ارائه می‌گردید، از این رو اطلاعات به دو گروه تقسیم شدند: نخست اطلاعاتی که در اتخاذ تصمیم طرف مقابل جهت انعقاد قرارداد مؤثر بودند، نظیر موضوع قرارداد، ماهیت مورد معامله و اوصاف آن، شخصیت طرف معامله در مواردی که شخصیتش علت عمده عقد است، که از آن‌ها با عنوان اطلاعات مهم یاد می‌شود و دوم اطلاعاتی که فاقد این وصف هستند (کارتریت و هسلینک، ۲۰۰۹، ۱۱۸). لذا طرفین بایستی درخصوص عناصری که در اتخاذ تصمیم آن‌ها مؤثر است؛ به تبادل اطلاعات بپردازند. از دیدگاه علمای حقوق فرانسه، تعهد به اطلاع‌رسانی، یک تکلیف مفروض برای طرف متخصص و مطلع در برابر طرف جاهل و ضعیف، تلقی می‌شود (تار، ۲۰۰۲، ۳۵). این تعهد برای نخستین بار در قانون مصرف فرانسه با تقسیم‌بندی دقیق‌تری نفوذ یافت:

۱- اطلاع‌رسانی در مورد موضوع تعهد و ترتیبات اجرای آن؛

۲- اطلاع‌رسانی درخصوص خطرات احتمالی؛

۳- اطلاع‌رسانی مشاوره‌ای و موردی درخصوص قرارداد؛

پیش‌نویس قانون مدنی فرانسه با تصریح به وظیفه اطلاع‌رسانی در ماده ۱۱۱۲-۱ ضمن تفکیک این تعهد از اصل حسن‌نیت، آن را به‌عنوان یکی از تکالیف مستقل متعاقدين در مرحله پیش‌قراردادی، معرفی نمودند. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر هر یک از طرفین اطلاعاتی داشته باشد که در اراده (نسبت به انعقاد عقد)، نقش مؤثری دارد، در صورتی که شخص اخیر به‌نحو مشروع، از آن اطلاعات ناآگاه باشد و یا به طرف مقابل اعتماد کرده باشد، مکلف است وی (طرف جاهل) را مطلع سازد. اطلاعاتی که ارتباط مستقیم و ضروری با محتوای قرارداد یا اوصاف طرفین قرارداد دارند؛ اطلاعات مهم تعیین‌کننده تلقی می‌شوند. شخصی که مدعی است اطلاعات ضروری باید به وی داده شود باید اثبات نماید که طرف مقابل تعهد به ارائه آن داشته و متعهد نیز باید ثابت کند که این اطلاعات را تأمین کرده است. طرفین نمی‌توانند این تکلیف را محدود یا ساقط کند. علاوه بر مسئولیتی که متعهد به ارائه اطلاعات دارد، عدم انجام این تعهد می‌تواند باعث ابطال قرارداد مطابق ماده ۱۱۳۰ و مواد بعدی گردد». لذا تخلف از تعهد صدرالذکر، می‌تواند حسب مورد تحت عنوان تدلیس یا اشتباه، زمینه‌ساز انحلال قرارداد محسوب شود و یا در صورت اجتماع ارکان مسئولیت مدنی، موجب تحقق مسئولیت غیرقراردادی متعهد گردد (شهیدی و شمس‌الهی، ۱۳۹۹، ۲۵۰).

به نظر می‌رسد بر مبنای اصلاحات یاد شده، نقض تعهد به ارائه اطلاعات در صورت وقوع یکی از موارد ذیل سبب تحقق مسئولیت پیش‌قراردادی می‌گردد: (۱) یا طرف مقابل (جاهل) از چنین اطلاعاتی ناآگاه بوده؛

(۲) یا به طرف مقابل خود اعتماد نموده باشد؛

(۳) یا برای شخص جاهل امکان دسترسی به اطلاعات وجود نداشته باشد؛

در غیر از موارد صدرالذکر، تعهد طرف مقابل به اطلاع‌رسانی منتفی می‌گردد. همچنین است در فرضی که یکی از مذاکره‌کنندگان، موضوعی که از آن ناآگاه بوده را افشا و بازگو نکرده باشد، نمی‌توان مسئولیت به جبران خسارت را بر وی تحمیل نمود.

۵-۲-۴. تعهد به رعایت محرمانگی و رازداری

تعهد به حفظ محرمانگی و عدم افشای اسرار حرفه‌ای، تجاری، مالی و... در واقع از مصادیق تعهد به عدم انجام فعل است؛ که عمدتاً در قراردادهای کار، لحاظ می‌گردد (دالوز، ۲۰۱۶، ۲۸). از تعهد به محرمانگی معانی متفاوتی استنباط می‌گردد:

۱. عدم افشای اطلاعات و اسرار تجاری از سوی متعهد که به واسطه قرارداد به آن دسترسی حاصل شده یا در طول مدت مذاکرات میان مذاکره‌کنندگان رد و بدل شده است، برای هر فرد دیگری اعم از رقبای تجاری و غیره.

۲. عدم استفاده از این اطلاعات به جز درخصوص اجرای قرارداد منعقد یا قرارداد آتی.

۳. عدم سوءاستفاده از این اطلاعات برای منافع شخصی یا گروهی خاص یا سایر افراد به نحو عام

بدون اجازه مالک آن، توسط فرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم، یا به واسطه بستگان وی به نحوی که خود او ذی نفع آن قرار گیرد (شکری و مظلوم رهنی، ۱۳۹۸، ۱۴۲).

سابقاً اصل کلی بر این بود که طرفین در خصوص اطلاعاتی که در فرآیند مذاکرات تحصیل می کردند، تعهد به رازداری نداشتند، لذا می توانستند اطلاعات به دست آمده را افشا یا در مسیر تحقق اهداف و حصول منافع شخصی خود، استفاده نمایند. مگر اینکه صراحتاً در حین گفتگوهای مقدماتی تصریح بر محرمانه بودن اطلاعات می شد و یا طرفین به نحو ضمنی چنین تعهدی داشتند و یا ماهیت اطلاعات ارائه شده، چنین اقتضایی داشت (انصاری، ۱۳۸۸، ۱۹۶).

لیکن امروزه شارحین مصوبه ۲۰۱۶، در بند ۲ ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی صراحتاً از آن به عنوان یکی از تکالیف مبتنی بر اصل حسن نیت در مرحله پیش قرارداد یاد می کنند که نقض آن سبب تحقق مسئولیت مدنی می گردد؛ ولو اینکه قرارداد در این خصوص مسکوت باشد. زیرا این مقرر به اندازه کافی انعطاف پذیر است؛ تا بتوان رازداری در دوره پیش قراردادی حتی بدون تصریح در قرارداد را از آن استنباط نمود (گیلیکر، ۲۰۰۳، ۱۲۶). این ماده مقرر می دارد: «هرکس بدون اجازه از اطلاعات محرمانه به دست آمده در طول مذاکرات استفاده و یا آن را افشا نماید، مطابق شرایط مندرج در قواعد عام مسئولیت مدنی مسؤول خواهد بود». حقوق دانان فرانسوی بر این باورند که این امر متأثر از متعارف بودن این تعهد در عرف تجاری بین المللی و

تحت الشعاع اصول حقوق قراردادهای اروپایی، بوده است. چنان که مواد ۱۶-۱-۲ اصول یونیدقوآ و ۳۰۲: ۲ اصول حقوق قراردادهای اروپا به تعهد حفظ اسرار و اطلاعات رد و بدل شده در مرحله پیش از انعقاد عقد، اختصاص یافته است (دالوز، ۲۰۱۶، ۲۸).

طرح چهارچوب مشترک مرجع مدعی وجود وظیفه کلی محرمانه نگه داشتن تمام اطلاعات دریافتی در طول مذاکرات نیست. لیکن مقرر می دارد؛ چنانچه یکی از طرفین قصد دارد اطلاعات ارائه شده محرمانه بماند، مشارالیه باید تصریح نماید که اطلاعات مذکور محرمانه است و توسط اشخاص ثالث قابل استفاده نیست. همچنین ماده ۳۰۲: ۳ بیان می دارد حتی در صورت عدم وجود چنین تصریحی، اگر طرف مقابل بداند یا به طور معقول و متعارف می تواند انتظار داشته باشد که اطلاعات محرمانه است، بایستی از افشای اطلاعات به اشخاص ثالث امتناع نماید، در غیر این صورت مسئولیت مدنی پیش قراردادی خواهد داشت (یلدریم، ۲۰۱۷، ۱۸۲).

پیش بینی ضمانت اجرا برای تعهد به رازداری در آفرینش فناوری نوین و تشویق به نوآوری نقش بسزایی دارد. به گونه ای که فقدان نظام حمایتی مؤثر و کارآمد، انگیزه نوآوری را کمرنگ نموده و پیشرفت علوم و تکنولوژی را با مانع جدی مواجه می نماید. لذا مسئولیت پیش قراردادی افشاکننده یا استفاده کننده از اطلاعات محرمانه، در قوانین ملی و اسناد بین المللی، به دو شکل پیش بینی شده است: نخست پرداخت غرامتی معادل ضرر وارده به

۵-۲-۵. عدم امکان رجوع از ایجاب در طول

مدت زمان اعتبار ایجاب

مفهوم ایجاب و قبول نخستین بار توسط پروفیسور «ژوزف پوتیه» مطرح گردید و سپس به حقوق نوشته و کامن‌لا رسوخ کرد و آنان نیز دو رکن ایجاب و قبول را به‌عنوان قالبی برای تشکیل عقد پذیرفتند (زیمرن، ۲۰۱۲، ۷۳).

تدوین‌کنندگان مصوبه ۲۰۱۶، بدون ارائه تعریف از ایجاب، ضمن بیان تعریف قرارداد در ماده ۱۱۱۳ مقرر می‌دارند: «عقد متشکل است از تلاقی ایجاب و قبول که به‌واسطه آن، طرفین اراده خود برای متعهد شدن را اعلام می‌دارند. این قصد ممکن است صریحاً بیان شود و یا از رفتار بدون ابهام صاحب اراده، استنباط شود». در متن اصول حقوق اروپایی تعریف صریحی از ایجاب ارائه نگردیده است، لیکن با بررسی اوصاف آن برمبنای ماده ۲۰۱ به بعد، این نتیجه حاصل می‌شود که از دیدگاه تدوین‌کنندگان اصول، ایجاب عبارت است از: «پیشنهاد انعقاد یک عقد که اگر مورد قبول واقع گردد؛ منتهی به تشکیل قرارداد می‌شود» (اوله و حق، ۲۰۰۰، ۱۵۹).

ماده ۱۱۱۴ مصوبه مقرر می‌دارد: «ایجاب اعم از اینکه به شخص معین یا غیرمعین ارائه شود، متضمن عناصر اساسی برای انعقاد عقد بوده و بیانگر اراده موجب به التزام به عقد در صورت قبول طرف مقابل، می‌باشد. در غیر این صورت ایجاب صرفاً دعوت به مذاکره خواهد بود». برمبنای این ماده که متأثر از بند ۱ ماده ۲:۲۰۱ اصول قراردادهای اروپا و رویه قضایی فرانسه است، مراد

طرفی که از افشای اطلاعات، متضرر گردیده است و دوم وصول عوضی معادل سودی که افشاکننده در نتیجه بهره‌برداری از این اطلاعات، تحصیل نموده است. اعم از این که ارائه‌دهنده اطلاعات متضرر شده یا خیر (کارتریت و هسلینک، ۲۰۰۹، ۳۳۹).

در کشورهای فرانسه، بلژیک، اتریش و دانمارک خسارت زیان‌دیده از طریق تأدیه غرامت، جبران می‌گردد. در حالی که در انگلستان افشاکننده به مبلغی معادل سود حاصل از دریافت اطلاعات، محکوم می‌شود. بدیهی است هر یک از طرق صدرالذکر با منع افشاکننده اطلاعات به ادامه استفاده یا ارائه آن به دیگران، قابل جمع است (کارتریت و هسلینک، ۲۰۰۹، ۳۳۹).

تعهد مذکور ممکن است به صورت شرط ضمن عقد و یا در قالب قرارداد محرمانگی مجزا از عقد اصلی، متجلی شود. نکته حائز اهمیت این است که تکلیف یاد شده، حتی در فرضی که به‌صورت شرط در قرارداد اصلی درج شود از حیث صحت، بطلان و همچنین از جهت فسخ یا اعتبار، تابع عقد اصلی نیست و چنانچه قرارداد اصلی به واسطه فسخ یا بطلان، خاتمه یابد؛ تعهد به محرمانگی به قوت خود باقی خواهد ماند. مصداق بارز قراردادهای متضمن شرط رازداری، قراردادهای انتقال فناوری است که در آن شرط می‌گردد؛ طرف مقابل پس از انقضای مدت قرارداد و یا در صورت نقض مذاکرات مقدماتی، وظیفه حفظ اطلاعات محرمانه را خواهد داشت (شکری و مظلوم رهنی، ۱۳۹۸، ۱۴۷).

از عناصر اساسی عقد، قطعی و مشخص بودن ایجاب و قصد موجب به انعقاد قرارداد در صورت قبولی مخاطب ایجاب است. البته به استناد ماده ۱۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا علاوه بر قصد التزام و قاطع بودن ایجاب، خاص بودن مخاطب ایجاب نیز از دیگر شرایط اساسی آن معرفی شده است، لذا پیشنهاد انجام معامله خطاب به عموم تحت عنوان دعوت به ایجاب قرار می‌گیرد. مگر اینکه موجب، صراحتاً پیشنهاد خود را ایجاب اعلام کند که در این صورت این پیشنهاد خطاب به عموم، به منزله ایجاب خواهد بود (لکوفسکی، ۲۰۱۲، ۶۳). این در حالی است که در نظام‌های حقوقی نظیر انگلیس، ایران و فرانسه ایجاب عام را به رسمیت شناخته‌اند.

با عنایت به اینکه ایجاب مخلوق اراده موجب است، مادامی که قبولی از ناحیه طرف مقابل اعلام نگردیده، ایجاب‌کننده هیچ التزامی نسبت به ایجابی که انشاء کرده ندارد و می‌تواند از آن عدول کند. در قانون مدنی سابق فرانسه صراحت قانونی در باب رجوع از ایجاب وجود نداشت و صرفاً ذیل برخی مقررات مربوط به عقود معین، رجوع از ایجاب ملاحظه می‌گردید (طالب احمدی، ۱۳۹۰، ۱۱۱). این نقصان در ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی جدید، مرتفع گردیده است: «ایجاب تا زمانی که به اطلاع مخاطب خود نرسیده، آزادانه قابل رجوع است». (اعم از اینکه عدول از ایجاب پیش از وصول ایجاب به مخاطب باشد یا پس از وصول آن). بر مبنای مواد ۴-۱-۲ اصول یونیدقوآ و ۲:۲۰۲ اصول قراردادهای اروپا نیز چنانچه پیش از ارسال

قبول از ناحیه مخاطب ایجاب، رجوع از ایجاب توسط مشارالیه واصل گردد، رجوع مؤثر و مانع از تحقق عقد است.

لذا بر مبنای اسناد فوق اصل بر قابلیت رجوع از ایجاب است؛ مگر در موارد استثنایی. بند ۳ ماده ۲:۲۰۲ اصول اروپایی این موارد استثنا را پیش‌بینی نموده است:

۱- چنانچه در ضمن ایجاب تصریح به عدم قابلیت رجوع شود؛

۲- چنانچه زمان مشخصی برای قبولی اعلام گردد؛

۳- چنانچه برای مخاطب ایجاب معقول باشد که به ایجاب به عنوان یک ایجاب غیرقابل رجوع استناد کند و مخاطب ایجاب با اتکا بر ایجاب، اقداماتی انجام داده باشد.

ماده ۴-۱-۲ اصول یونیدقوآ، نیز ضمن پذیرش اصل کلی قابلیت رجوع ایجاب، صرفاً موارد مقرر در بندهای ۲ و ۳ را به عنوان استثناء بر اصل یادشده، پیش‌بینی نموده است (لیبل و لهمن، ۲۰۱۴، ۸۵). در کنار دیدگاه فوق‌الذکر، در قانون مدنی برخی کشورهای خانواده حقوق نوشته دیدگاه عدم قابلیت رجوع از ایجاب به نحو مطلق انعکاس یافته است، که مصداق بارز آن مواد ۸۶۲ قانون مدنی اتریش، ۱۸۵ قانون یونان، ماده ۳ قانون تعهدات سوییس و ماده ۱۴۵ قانون مدنی آلمان می‌باشد (لیبل و لهمن، ۲۰۱۴، ۱۶۷).

در حقوق انگلستان نظریه قابلیت رجوع از ایجاب به طور مطلق و بدون قید و شرط (تا پیش از قبول) مطرح گردیده لیکن در سایر کشورهای تابع نظام کامن‌لا، این دیدگاه محجور مانده است. چنان‌که

۶. نتیجه

قانون مدنی هر کشور، متضمن اساسی‌ترین قواعد حاکم بر روابط خصوصی اشخاص در جامعه می‌باشد و تأثیر انکارناپذیری بر سایر شعب حقوق دارد. از این رو در اکثر کشورها به‌عنوان شاکله اصلی حقوق خصوصی، کمتر دچار تغییرات می‌شود. لیکن تلاش قضات و اندیشه‌های دکترین در راستای نوسازی و هم‌سوسازی مقررات فرانسه با نیازهای اجتماعی مردم، زمینه تکامل قانون تعهدات این کشور را فراهم نموده است. بر مبنای مصوبه مورخ یکم اکتبر ۲۰۱۶ قلمرو اعمال قاعده حسن‌نیت از دوره پیش‌قراردادی تا خاتمه قرارداد، گسترش یافته است و تعهد به اطلاع‌رسانی و تکلیف به رازداری در مرحله مذاکرات مقدماتی به‌عنوان تعهدات پیش‌قراردادی به رسمیت شناخته شدند و علی‌رغم اختلاف‌نظر میان حقوق‌دانان درخصوص قابلیت عدول از ایجاب، مصوبه صراحتاً با پذیرش یک رویکرد میانه، به این اختلافات پایان بخشید. مطالعه فرآیند شکل‌گیری و تکامل قانون مدنی فرانسه کمک شایانی به استفاده از تجربه قانون‌گذاری این کشور و شناخت نقاط قوت و ضعف حقوق داخلی می‌کند.

در حقوق ایران، مبحث تعهدات و قواعد عمومی قراردادهای نتیجه ترکیب فقه و حقوق فرانسه می‌باشد، که اکنون پیر و فرتوت شده است. این پوسیدگی، دکترین و آرای قضایی را مقهور خود می‌سازد و به جای ایجاد وحدت رویه، سبب اختلاف در تفسیر عقود و تشتت آرا می‌گردد. بدیهی است خسارات ناشی از این کاستی‌ها بدو

بر مبنای بخش ۲۰۵-۲ قانون یکنواخت تجاری آمریکا، «ایجاب موجب، در طول زمان تعیین شده و اگر زمانی تعیین نشده باشد، تا زمان متعارف قابل رجوع نیست». این دیدگاه رویه قضایی محاکم آمریکا را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است (اسمیت، ۲۰۰۵).

با عنایت به مراتب فوق و اصلاحات قانون جدید فرانسه به نظر می‌رسد شارحین مصوبه یک رویکرد معتدل و میانه درخصوص رجوع از ایجاب اعمال نموده‌اند بدین ترتیب که از یک سو در ماده ۱۱۱۵ اصل قابلیت رجوع از ایجاب در کنار استثنائات مندرج در مواد آتی، به رسمیت شناخته شده است، از سوی دیگر بر مبنای ماده ۱۱۱۶ مقرر گردیده است. چنانچه موجب، مدت زمان معینی برای ایجاب در نظر گرفته باشد، ایجاب پیش از انقضای این مدت قابل رجوع نیست. در صورت عدم تعیین مدت زمان، با عنایت به ضرورت توالی عرفی ایجاب و قبول، پس از گذشت مدت معقول و متعارف، موجب می‌تواند از ایجاب رجوع نماید. لذا رجوع از ایجاب برخلاف ممنوعیت مذکور و بدون لحاظ موارد فوق، مانع از انعقاد عقد می‌شود. در این صورت بر مبنای قواعد عام مسئولیت مدنی، مسئولیت خارج از قرارداد برای ایجاب‌کننده، محقق می‌گردد بدون اینکه ملزم به جبران سود از دست‌رفته‌ای باشد که ذی‌نفع انتظار داشت از اجرای قرارداد، تحصیل کند.

متوجه مردم و در ثانی معطوف به نظام قضایی خواهد بود. انگیزه‌هایی نظیر نواقص مقررات در مبحث قراردادهای، عدم نفوذ بین‌المللی قانون مدنی ایران، عدم جذابیت این قانون برای متعاملین در روابط تجاری بین‌المللی، حقوق تعهدات ایران را به کارزار بزرگ اصلاحات فرامی‌خواند. لذا شایسته است قانون‌گذار ما با عنایت به مقتضیات جامعه و الهام از پیشرفت‌های قانون مدنی فرانسه، اصل آزادی قراردادی و قاعده حسن‌نیت را که به‌صورت پراکنده در قوانین خاص به آن اشاره نموده است، صراحتاً به‌عنوان مبنای تعهدات در دوره پیش از انعقاد قرارداد، تفسیر، اجرا و داوری در قانون مدنی منعکس نماید و ضمانت اجرای نقض تعهد به اطلاع‌رسانی، محرمانگی و عدول از ایجاب در زمان اعتبار آن را، تصریح نماید و بدین‌سان در مسیر افزایش کارایی قانون مدنی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نیز جذابیت حقوق قراردادهای ایران در سطح فرامرزی گام بردارد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- شعاریان، ابراهیم، ترابی، ابراهیم، اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران، تبریز، انتشارات فروزش، ۱۳۸۹.
- شکری، طاهره، مظلوم رهنی، علیرضا، «شرط تعهد به امانت و رازداری در قراردادهای نفتی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره پانزده، شماره چهل و یکم، ۱۳۹۸.
- شهیدی، مرتضی، شمس‌الهی، محسن، «مطالعه تطبیقی تعهد ایجابی ناشران اوراق بهادار به افشای اطلاعات در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره چهار، شماره اول، ۱۳۹۹.
- طالب احمدی، حبیب، «ماهیت حقوقی وصیت تملیکی در فقه و حقوق ایران»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره سه، شماره چهارم، ۱۳۹۰.
- عابدیان، میرحسین، خروشی، عبدالعظیم، «تعهدات پیش‌قراردادی بیمه‌گر و جای خالی آن در لایحه بیمه تجاری»، تحقیقات حقوقی، شماره پنجاهم، ۱۳۸۸.
- عبدی‌پور، ابراهیم، قاسم‌زاده، روح‌الله، «پای‌های نظری موافقان و مخالفان تحمیل وظیفه عام ارایه اطلاعات در قراردادهای»، پژوهش‌های تطبیقی، دوره پانزده، شماره اول، ۱۳۹۰.
- قاسمی، عباس، «حسن‌نیت در قرارداد مبنای تعهد به درستکاری و همکاری در حقوق فرانسه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره چهل و ششم، ۱۳۸۶.
- امینی، منصور، ابراهیمی، یحیی، «حسن‌نیت در قراردادهای از نظریه تا عمل؛ نگاهی به موضوع در نظام حقوقی کامن‌لا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره دو، شماره دوم، ۱۳۹۰.
- انصاری، علی، تئوری حسن‌نیت در قراردادهای تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- بهرامی احمدی، حمید، امینی نسب، حمزه، «مبادی و تحولات قانون مدنی کشورهای عربی»، فصلنامه آموزه‌های حقوقی گواه، شماره بیست و هشتم، ۱۳۹۴.
- پاکباز، سیامک، شرح قانون مدنی فرانسه، تهران، نشر میزان، ۱۴۰۰.
- حاجی‌پور، مرتضی، «نقش محدودکننده حسن‌نیت در مذاکرات»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره چهار، شماره چهاردهم، ۱۳۹۵.
- خزایی، علی، «مسئولیت پیش‌قراردادی: شرایط تحقق و زبان‌های قابل جبران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هفده، شماره اول، ۱۳۹۵.
- داراب‌پور، مهرباب، انیسی، الهام، «تقدم کارآمدی اقتصادی بر سنت‌گرایی در اصلاحات جدید حقوق تعهدات فرانسه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره هشتاد و سوم، ۱۳۹۷.
- زمانی، محمود، رفیعی، محمدتقی، «تحلیل اقتصادی حسن‌نیت در مرحله اجرای قرارداد»، مجله حقوق خصوصی، دوره سی و یک، شماره سوم، ۱۳۹۵.

Manchester Library Authenticated, Vol. 13, No. 4, 2017.

- Kovac, M. "Frustration of Purpose and the French Contract Law Reform: The Challenge to the International Commercial Attractiveness of English law?" *Maastricht Journal of European and Comparative Law*, Vol. 25, No. 3, 2018.

- Leible, S, Lehmann, M. *European contract law and German law*, Netherlands, Kluwer Law International, 2014.

- Leonhard, C. "A Legal Chameleon: An Examination of the Doctrine of Good Faith in Chinese and American Contract Law", *Connecticut Journal of International Law*, Vol. 25, No. 305, 2011.

- Lookofsky, J. *The 1980 United Nations Convention on Contracts for the international Sale of Goods*, The Netherlands, Kluwer Law International, 2012.

- Mattar, M. "Integrating the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts as a source of contract law in Arab", *Uniform Law Review*, Vol. 22, No. 1, 2017.

- Mazeaud, D. 'La réforme du droit français des contrats', *Revue juridique Thémis*, Vol. 44, No. 1, 2010.

- Mekki, M. "The French Reform of Contract Law: The Art of Redoing Without Undoing", *Journal of Civil Law Studies*, Vol. 10, No. 1, 2017.

- Ole, L, Hugh, B. *Principles of European Contract Law*, Hague, Kluwer Law International, 2000.

- Pannebakker, E. *Pre-contractual Phase: Reflections On the Attractiveness of the New French Rules for The Parties to International Commercial Transaction*,

- قنواتی، جلیل، «اصول حقوق قراردادهای اروپایی: حامل سنت‌ها، پاسخگوی نیازها»، فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، نامه حقوقی، شماره هفدهم، ۱۳۸۸.

- کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.

- نوری یوشانلوئی، جعفر، شاهین، ابوالفضل، «نوآوری‌های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال شش، شماره بیست و چهارم، ۱۳۹۷.

منابع لاتین

- Avec le concours de Pascale Guimard, Rédactrice en chef aux Editions Dalloz *Reforme du Droit de obligations-un supplement ou code civil*, Paris: Dalloz, 2016.

- Cartwright, J, Hesselink, M. *Precontractual liability in European Private Law*, New York, Edinburgh University Press, Cambridge University Press, 2009.

- Disdet, DM. "L'obligation d'information dans les contrats du commerce électronique", Avignon, Université d'Avignon, 2011.

- Giliker, P. "A Role For Tort in Pre-contractual Negotiations? An Examination of English, French And Canadian Law", *International & Comparative Law Quarterly*, Vol. 52, 2003.

- Helleringer, G. "The Anatomy of the New French Law of Contract", *The University of*

- Tetley, W. "Good faith in contract: particularly in the contracts of arbitration and chartering", *Journal of Maritime Law & Commerce*, Vol. 35, No. 4, 2004.
- Wilhelmsson, T. "European Rules on Pre-contractual Information Duties?" *ERA Forum*, Vol. 7, No. 1, 2006.
- Yee, WP. "Rethinking A Principle Underlying Contract Law", *Singapore Law Review*, Vol. 22, 2002.
- Yildirim, A. "The Concept of Pre-Contractual Duties and A Comparison Between the Draft Common Frame of Reference, English and Turkish Legal System", *Ankara Avrupa Çalışmaları Dergisi*, Vol. 16, No. 2, 2017.
- Zimmermann, R. *The Law of Obligations: Roman Foundations of the Civilian Tradition*, Published to Oxford Scholarship Online, 2012.
- Cambridge, Cambridge University Press, 2017.
- Peeraer, F, Samoy, I. "The Belgian Civil Code: How to Restore its Central Position in modern Private Law?", *European Review of Private Law*, Vol. 24, 2016.
- Rowan, S. "The New French Law of Contract", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 66, 2017.
- Smits, J. "The Principles of European Contract Law and the Harmonization of Private Law in Europe", *La Tercera Parte De Los Principios De Derecho Contractual Europeo*, Vol. 12, 2005.
- Smits, M, Calomme, T. "Legal Developments The Reform of The French Law Of Obligations", *Sage Journals*, Vol. 23, 2016.
- Tarr, JA. *Disclosure and Concealment in Consumer Insurance Contracts*, London, Published by Routledge-Cavendish, 2002.